

از اصالت زن تا تداوی روحی طبیعت: شفای نیایی در *اکنون زمان دل گشودن است* اثر آلیس واکر

میمنت دانشوری (مربی هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد واحد مشهد گروه زبان انگلیسی / دانشجوی دکتری

زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)

daneshvari_m@yahoo.com

بختیار سجادی (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، نویسنده مسئول)

bakhtiar_sadjadi@yahoo.com

جلال سخنور (استاد گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

nakhoslaj@gmail.com

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی دو مفهوم انتقادی اصالت زن و تداوی روحی طبیعت در یکی از رمان‌های آلیس واکر با عنوان *اکنون زمان دل گشودن است* می‌پردازد که در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسید. مفهوم اصالت زن از دید واکر رویکردی جهان‌شمول و غیرجدایی طلب است که بر اهمیت اجتماع، یکپارچگی و احیای زنان تأکید می‌کند. اما اصالت زن فقط نوعی نقطه آغاز به حساب می‌آید. واکر در ادامه پروژه خود برای توانمندسازی زنان، تداوی روحی طبیعت را معرفی کرد، مفهومی مستقل از بدن که تجسم نوعی انرژی پویا است و برای آسایش فرد ضرورت دارد. تجلیل وی از پیوند ذاتی میراث آمریکایی-آفریقایی‌ها با فرهنگ بومی آمریکا و تمرکز بر وابستگی معنوی بین همه عناصر زندگی از جمله خصوصیات مرحله دوم زندگی حرفه‌ای آلیس واکر در نقش یک نویسنده است. رمان *اکنون زمان دل گشودن است* نشانه ورود او به این مرحله فکری جدید است؛ مرحله‌ای که مشخصه آن تجلیل از تقدس و یکپارچگی حاصل از اتصال «انسان» با کل «هستی» است. او در مورد اهمیت ارتباط واقعی با طبیعت و محیط اطراف در حکم پیش‌نیازی برای یکپارچگی جسمی و عاطفی توضیح دیگری نداده است. این مقاله به فرایند مشقت‌بار سفر شخصیت اول داستان برای کشف خود می‌پردازد که با هدف التیام جسمی و معنوی انجام می‌گیرد. خودبازسازی نهایی شخصیت اول داستان از طریق رجعت داوطلبانه او به طبیعت صورت می‌گیرد. این

استقلال تازه به دست آمده باعث می شود که شخصیت ها نظم نمادین سرکوب گر را بی ثبات سازند، از تروما جان سالم به در برده و انرژی بازیابی شده خود را علیه گسستگی ذهن به کار گیرند.

کلیدواژه ها: تداوی روحی طبیعت، گسست، یکپارچگی، اصالت زن، شفای نیایی

۱. مقدمه

اولین مجموعه مقالات آلیس واکر تحت عنوان *در جستجوی باغچه های مادرانمان*^۱ که در سال ۱۹۸۴ به چاپ رسید، بازتاب خوبی در سطح جهان داشت و مانند کتابی مقدس درباره اصالت زن^۲ شناخته شد. این کتاب پاسخی بود به فمینیسم سفیدپوستی که منحصرأ بر مقوله زنان سفیدپوست از طبقه متوسط تمرکز می کرد و نژاد و طبقه اجتماعی را به مثابه موضوعاتی حاشیه ای و غیرمرتبط نادیده می گرفت. اصالت زن در حکم نشانه آثار واکر به رسمیت شناخته شد، مفهومی که از فرهنگ آفریقایی آمریکایی و تجربیات روزمره زنان سیاهپوست تجلیل می کرد. کاوش پیچیدگی های زندگی زنان سیاهپوست، ظهور نهایی آنها در نقش عامل هایی پیروزمند و ایجاد نوعی جامعه نیمه برابرگرا مرز بین آثار واکر و نوشته های همکاران فمینیست اوست که در جبهه ای مشابه می جنگیدند.

مرحله دوم در زندگی حرفه ای واکر تعمیم مرحله مبتنی بر اصالت زن به منظور گنجاندن کل دنیا، انسان و غیرانسان در آن بود. دومین مجموعه مقالات واکر با عنوان *زندگی با کلمه*^۳ که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد، مفهوم تداوی روحی طبیعت^۴ را معرفی می کند که نویسنده از آن به مثابه راهکاری برای دستیابی به آسایش و سلامت کلی نام می برد. جستجوی واکر برای کلیت و یکپارچگی و احیای قرابت از بین رفته بین همه عناصر زندگی به بهترین نحو در مرحله دوم حرفه نویسنده او نمود پیدا می کند، به ویژه در *معبد آشنای من*^۵ (۱۹۸۹) و *اکنون زمان دل گشودن است*^۶ (۲۰۰۴).

1. *In.Saarhh of our oo hks's ' aa rdnnns*
2. *womanism*
3. *Living By the Word*
4. *eco-spirituality*
5. *The Temple of My Familiar*
6. *Now Is the Time to Open Your Heart*

او از عشق، کرامت و سخاوت‌مندی متجسم در دنیای طبیعی تجلیل می‌کند و آن را تنها راه علاج روان‌ترومایی و چندپاره‌افراد (چه سیاه‌پوست چه سفیدپوست) می‌داند. نزدیکی واکر با فرهنگ بومی آمریکا الهام‌بخش او برای بازیابی پیوندهای گسسته‌اش بود و باعث شد که دوباره با عناصر طبیعی آشتی کند. خودشکوفایی از نظر آلیس واکر به معنای پذیرش تفاوت‌ها و عبور از مرزهای تعریف شده است و در این میان هماهنگی با دنیای طبیعت، اتحاد و توانمندسازی زنان و تکامل معنوی به‌عنوان استراتژی‌های کاربردی برای تحقق این خودشکوفایی مورد تأکید قرار می‌گیرند.

مشخصه غالب اکثر نوشته‌های آلیس واکر سیرشخصیت‌هاست که به منظور شکستن مرزهای اجتماعی، نژادی و مردسالارانه انجام می‌شود. این سیر رهایی‌بخش منحصراً از دید یک شخصیت متعهد به اصالت زن تجربه نمی‌شود. نیروی اساسی زندگی که برای بقا و رهایی انسان لازم است باید از طریق ایجاد نوعی رابطه سالم بین همه عناصر زندگی فعال گردد. اکنون زمان دل‌گشودن است، تلاش نهایی واکر در رمان‌نویسی است که در آن رمان‌های قبلی خود را به لحاظ هنری بررسی می‌کند. با وجود این، او هیچ جای دیگری اهمیت رابطه واقعی با انسان و دنیای طبیعی را به مثابه راه نهایی برای دست‌یابی به یکپارچگی توضیح نداده است.

در این مقاله ابتدا پیشینه پژوهش می‌آید که عمده مطالعات انجام‌گرفته روی مفاهیم اصالت زن، فمینیسم سیاه‌پوستی و به‌طور کلی رمان‌های واکر را در بر می‌گیرد. بخش بعدی چهارچوب نظری مقاله است که به مطالعه مفاهیم انتقادی اصلی، یعنی اصالت زن و تداوی روحی طبیعت به‌منظور تحلیل رویکرد واکر به شکل‌گیری هویت سیاه‌پوستان می‌پردازد. در ادامه، خوانش رمان واکر با توجه به مفاهیم نظری انجام می‌شود. در بخش نتیجه‌گیری نیز نتایج مطالعه ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

یکی از جامع‌ترین کتب بررسی مفهوم اصالت زن را لیلی فیلیپس^۱ نگاشته است. فیلیپس در کتاب *اصالت زن*^۲ (۲۰۰۶) سابقه نظری و ماهیت میان‌رشته‌ای این واژه را توضیح می‌دهد. وی

1. Layli Phillips

2. *The Womanist Reader*

ویژگی‌های نهفته در مفهوم اصالت زن، تأثیر آن در ایجاد تحول اجتماعی و رابطه آن با دیگر دیدگاه‌ها را بررسی می‌کند، رابطه‌ای که مرزبندی نظریه‌ها را نادیده می‌گیرد. وی در مقدمه کتابش مفهوم فوق را این‌گونه توصیف می‌کند: «اصالت زن نوعی دیدگاه تغییر اجتماعی است که در تجربیات روزمره زنان سیاه‌پوست و دیگر زنان رنگین‌پوست و روش‌های هرروزه آن‌ها برای حل مسئله در زندگی عادی ریشه دارد... تعادل بین افراد و محیط را بازمی‌گرداند و زندگی انسان را با بعد معنوی آشتی می‌دهد» (فیلیپس، ۲۰۰۶، ص. XX). کتاب فیلیپس نوعی تحلیل عملی عمیق از این واژه در رشته‌های مختلف را به خواننده ارائه می‌دهد: از الهیات، ادبیات، نقد، تاریخ، ارتباطات، مطالعات فیلم و روان‌شناسی گرفته تا انسان‌شناسی و مطالعات شهری.

کتاب پاتریشیا هیل کالینز^۱ با عنوان تفکر فمینیستی^۲ که در سال ۲۰۰۰ به چاپ رسید پژوهشی برای تعیین نوعی استاندارد به منظور ارزیابی تجارب و ایده‌های زنان سیاه‌پوست است. او سعی کرده است ارتباط متقابل بین نژاد، جنسیت و طبقه اجتماعی را در زندگی زنان سیاه‌پوست بررسی کند. کالینز ویژگی‌های متمایز تفکر فمینیستی سیاه‌پوستان را این‌گونه مشخص می‌کند: به رسمیت شناختن پیوند بین آگاهی زنان سیاه‌پوست و تجارب زندگی روزمره آن‌ها، میراث مبارزه، بازسازی تصاویر زنان تحقیرشده سیاه‌پوست، مبارزه با جنسیت‌گرایی، مقاومت و میل به تعریف از خود. این کتاب آثار متفکران فمینیست و سیاه‌پوست برجسته‌ای مثل آنجلا دیویس، بل هوکس، آلیس واکر و آدره لورد^۳ را در بر می‌گیرد و اولین نمونه از تحلیل ترکیبی از تفکر فمینیستی را در اختیار خواننده می‌گذارد.

گلوریا واتکینز^۴ که بیشتر با نام بل هوکس شناخته می‌شود، یکی دیگر از پژوهشگران سیاه‌پوست است که مقوله‌های اصلی نژادپرستی و نیاز فوری به معرفی نوعی جنبش نظری برای پایان‌دادن به خشونت را به‌طور دقیق بررسی کرده است. وی در کتاب نظریه فمینیستی: از حاشیه تا مرکز^۵ (۱۹۸۴) سیاست جنسی را به‌دقت بررسی می‌کند و نوعی فمینیسم ارائه می‌دهد که ریشه در هم‌بستگی، یکپارچگی و شفقت دارد. فمینیسم واقعی از دید بل هوکس این‌گونه تعریف

1. Patricia Hill Collins

2. *Black Feminist Thought*

3. Angela Davis, bell hooks, Alice Walker and Audre Lorde

4. Gloria Watkins

5. *Feminist theory: From Margin to Center*

می‌شود: «مبارزه‌ای برای از بین بردن ایدئولوژی سلطه که در سطوح مختلف فرهنگ غرب رسوخ کرده است و نیز پرورش نوعی حس تعهد به ایجاد جامعه‌ای که در آن رشد فردی مقدم بر امپریالیسم، گسترش اقتصادی و خواسته‌های مادی قرار گیرد.» (هوکس، ۲۰۰۰، ص. ۲۶). چنین موضعی هم شخصی است و هم سیاسی: از نظر هوکس، تجربه فردی به اندازه آسایش جمعی اهمیت دارد.

مگه یه زن نیستم^۱ کتاب مهم دیگری از بل هوکس است که در سال ۱۹۸۱ منتشر شد. این کتاب تأثیر تبعیض جنسی رایج در جوامع سیاه‌پوست از یک طرف و نژادپرستی سفیدپوستان از طرف دیگر را بر تنزل مقام زنان سیاه‌پوست بررسی می‌کند. هوکس کارکرد سیستم مبتنی بر تبعیض جنسی و نژادی را توضیح می‌دهد و از فرضیات نهادینه‌شده نژادی و جنسی فراتر می‌رود. دغدغه اصلی او این است که نظریه فمینیستی جامعی ارائه دهد که متعهد به ریشه‌کن کردن همه اشکال ظلم و بیانگر تاریخ واقعی سیاه‌پوستان باشد و جامعه‌ای را به رسمیت بشناسد که در آن تمایل به تغییر جمعی بر تحقق آرزوهای فردی مرجح است.

هارولد بلوم^۲ مجموعه جامعی از مقالات انتخابی مرتبط با آثار اصلی واکرا در کتابی با عنوان *آلیس واکر*^۳ در سال ۲۰۰۷ منتشر کرد. او جستجوی نویسنده برای عشق و ارزش‌های شخصی و نیز شکل‌گیری هنر رهایی‌بخش او در رمان‌های اصلی، داستان‌های کوتاه و آثار اصلی غیرداستانی‌اش را بررسی می‌کند. مقدمه خود بلوم بر این کتاب به وضوح بیانگر دغدغه او برای ترسیم سبک منحصر به فرد نوشتاری واکر - که بسیار تحت تأثیر زورا نیل هرستون^۴ است و خود واکر هم آن را قبول دارد - می‌باشد، نویسنده‌ای که نماینده تاریخ سیاه‌پوستان و نیز زمان حاضر آن‌هاست.

ملانی ال. هریس^۵ در مقدمه کتاب خود تحت عنوان *موهبت فضیلت: آلیس واکر و اخلاق مبتنی بر اصالت زن*^۶ (۲۰۱۰) تکامل الهیات وابسته به این مفهوم (که پژوهشگرانی مثل کیتی

1. *Ain't I a Woman*

2. Harold Bloom

3. *Alice Walker*

4. Zora Neale Hurston

5. Melani L. Harris

6. *Gifts of Virtue: Alice Walker and Womanist Ethics*

کانون و دلورس اس. ویلیامز پیشنهاد کرده‌اند) را ردگیری می‌کند و درمی‌یابد که این نوع الهیات ریشه در آثار و نظریه‌های آلیس واکر دارد. آن‌ها از طریق نوعی تحلیل میان‌برشی^۱ و با تکیه بر مفهوم اصالت زن، سوژکتیویته پیچیده زنان سیاه‌پوست را مورد تأکید قرار داده و از دیدگاه‌های دینی و اخلاقی خود دفاع کرده‌اند. از دید او، زنباوروی واکر از طریق ایجاد مجموعه‌ای جدید از ارزش‌ها مانند مسئولیت‌پذیری، ارتباط متقابل، کفایت همگانی، تدبیر و خوداتکایی، تجارب انسانیت‌زدایانه قبلی افراد سیاه‌پوست را به شیوه‌ای انقلابی باز تعریف می‌کند.

کتاب *زندگی کامل، اینجا و آنجا: بینش شفادهنده در آثار آلیس واکر*^۲ نوشته کارلا سیمچیکووا^۳ که در سال ۲۰۰۷ به چاپ رسیده است درکی جامع از مفهوم معنویت آلیس واکر ارائه می‌دهد که از مدل مبتنی بر اصالت زن فراتر می‌رود. این خرد معنوی به شیوه دیدن و مشارکت در دنیا توسط واکر اشاره می‌کند، شیوه‌ای که به‌خصوص از علاقه‌اش به معنویت بومیان آمریکا نشأت گرفته است. همان‌گونه که سیمچیکووا به‌وضوح اشاره می‌کند: «تنها راه تحقق یکپارچگی، احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز است، رابطه‌ای متقابل که عمیقاً معنوی است چراکه دانستن از روح می‌آید (سیمچیکووا، ۲۰۰۷، ص. ۲۱). او اعتقاد دارد که، در نقش انسان، ما بخشی از شبکه به‌هم‌پیوسته هستی هستیم و باید از طریق بازیابی ارتباط اولیه خود با «زمین مقدس»، یکپارچگی را دوباره تجربه کنیم. این همزیستی برابرگرایانه با زمین و طبیعت با عنوان تداوی روحی طبیعت معرفی می‌شود.

یکی از جذاب‌ترین و ابتکاری‌ترین مقالات در مورد آلیس واکر اثر ایزابل تررد^۴ می‌باشد. این مقاله با عنوان «اصالت زن، شفای جنسی و تداوی روحی طبیعت در رمان‌های آلیس واکر: از مریدین تا اکنون زمان دل‌گشودن است» در سال ۲۰۱۱ به چاپ رسید و تحلیلی است بر نقش‌های معنویت و «آفریقایی‌بودن» مفاهیمی که شخصیت‌ها همچون ابزار برای مبارزه علیه چندپارگی و ازخودبیگانگی ناشی از تاریخچه طولانی برده‌داری و بهره‌برداری به‌کار می‌گیرند.

1. intersectional analysis

2. *To live fully here and now: The healing vision in the works of Alice Walker*

3. Karla Simcikova

4. Simcikova

5. Isabelle Treard

قهرمانان زن رمان‌های آلیس واکر با به رسمیت شناختن میراث اجدادی، «خود» فردی‌شان را بازسازی کرده و سلامت و یکپارچگی خود را باز می‌یابند.

مقاله پژوهشی مفید دیگری که به بررسی رمان *اکنون زمان دل گشودن است* می‌پردازد را کایل گارتون-گاندلینگ^۱ در سال ۲۰۱۵ تحت عنوان «اجداد ناشناخته: آلیس واکر، دین آسیایی و اصالت قومی» منتشر کرد. این مقاله به دقت تعامل پربرابر بین مفاهیم قومی متفاوت و شیوه هنری ویژه واکر را در ارائه تصویر اجدادی خود تجزیه و تحلیل می‌کند. واکر برای دستیابی به اصالت فرهنگی و فردی به دنبال گنجاندن محیط طبیعی و باورهای فرهنگی، تاریخی، اخلاقی و ایجاد تعامل ثمربخش بین همه عناصر زندگی است.

۳. چهارچوب نظری پژوهش

ادبیات داستانی زنان آمریکایی آفریقایی‌تبار همواره درصدد گسترش دامنه صدای زنانه و بازنمایی «خود» واقعی زنان سیاه‌پوست بوده است. این زنان نویسنده که پیش‌تر با عناوینی چون طبقه دوم و غیرآکادمیک کنار گذاشته می‌شدند در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه نویسندگان قرار گرفته‌اند. نویسندگان زن سیاه‌پوست محصول بستر تاریخی خاصی هستند که مشخصه آن ظلم است. بنابراین، طبیعی است که تمرکز آن‌ها روی خلق شخصیت‌هایی بوده است که بتوانند استقلال درونی خود را کشف کرده و پتانسیل ذاتی و پنهان خود را آشکار سازند.

آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار در تاریخ طولانی مبارزه جایگاه ممتازی را به خود اختصاص داده‌اند. بسیاری از نویسندگان سیاه‌پوست همگام با سایر مبارزان، هم‌کیشانشان خود را به شکستن سکوت چند صدساله و تلاش برای توانمندسازی مجدد دعوت کرده‌اند. از آنجاکه مشخصه تاریخ و فرهنگ سیاه‌پوستان دوگانگی، تناقض و تغییرپذیری است، راهی قطعی برای بقا و اظهار هویت شخص وجود ندارد. بنابراین نوعی گفتمان محاوره‌ای لازم است تا با بسیج عمومی سیاه‌پوستان نوعی اشتیاق جمعی را برای خودشکوفایی در آن‌ها برانگیزد.

پژوهش حاضر بر آن است تا رمان *اکنون زمان دل گشودن است* نوشته آلیس واکر را ابتدا با تمرکز بر نظریه اصالت زن واکر و بینش شفادهنده‌ای که ارائه کرده است بررسی کند. در مرحله

1. Kyle Garton-Gundling

دوم، دورشدن تدریجی نویسنده از موضع آغازین خود و تمرکزش برتداوی روحی طبیعت به مثابه وسیله‌ای برای دست‌یابی به ثبات جسمی و عاطفی بررسی می‌شود. رویکرد و روش‌شناسی به‌کاررفته براساس مفاهیم انتقادی پیشنهادی بل هوکس و آلیس واکر است و با استفاده از این مفاهیم، فرایند تغییر و واژگونی هژمونی‌های سلسله‌مراتبی و جنسی و مبارزه شخصیت‌ها برای ابراز عقیده و بازیابی هویت اجدادی‌شان مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۳. ۱. اصالت زن از نگاه آلیس واکر

آلیس واکر در اولین مجموعه مقالات خود تحت عنوان در جستجوی باغچه‌های مادرانمان اصطلاح «اصالت زن» را معرفی کرد. تعریف او از این اصطلاح این‌گونه است: اصطلاحی که معنایش فراتر از اولویت‌بخشی به زنان در برابر مردان است. بیشتر از آن‌که زنان بخواهند جدا از مردان زندگی کنند. در واقع، اگر بخواهیم با ارزش‌های فرهنگی سیاه‌پوستان سازگار باشیم... این واژه باید، به‌جای جدایی، پیوستگی با کل جامعه و دنیا را تأیید کند، صرف‌نظر از این‌که چه کسی با چه کسی کار می‌کند و ارتباط دارد. (واکر، ۱۹۸۳، ص. ۸۱)

این اصطلاح را پژوهشگران خارج از گفتمان ادبی نیز به‌سرعت مورد استفاده قرار داده‌اند که نشان از سودمندی و گویابودن آن دارد. اصالت زن نوعی دیدگاه فرهنگ‌محور است که به دنبال آشتی‌دادن تفاوت‌ها نه انکار یا گذر از آن‌ها و توقف خشونت در همه اشکال آن است. اصالت زن در شیوه تمرکززدای خود همه را دعوت می‌کند که طعم زندگی درونی خود را بچشند و حالتی از فعالیت را مشخص می‌کند که غیرآکادمیک و غیرایدئولوژیک است و به زندگی روزمره مربوط می‌شود.

جامع‌ترین تعریف واکر از این اصطلاح در مقدمه مجموعه مقالاتش که در سال ۱۹۸۳ چاپ شد، آمده است. چهار تقسیم‌بندی آن به‌طور ماهرانه مفاهیم نهفته در این اصطلاح را توصیف می‌کند:

اصالت زن

۱. برگرفته از زن‌گونه (در مقابل دخترگونه، یعنی بی‌خیال، غیرمسئول، غیرجدی). معمولاً به رفتار افراطی، جسورانه، شجاعانه یا خودسرانه اشاره دارد....

۲. همچنین زنی که زن دیگری را دوست دارد، چه همراه با گرایش جنسی باشد یا نباشد. فرهنگ زنان را ترجیح می‌دهد و ارج می‌نهد، زنان... گاهی مردان را دوست دارد. به بقا و یکپارچگی کل افراد، مرد و زن، متعهد است.
۳. موسیقی دوست دارد. ماه را دوست دارد. روح را دوست دارد. عشق، غذا و تکامل را دوست دارد. مبارزه را دوست دارد. فولکلور را دوست دارد. خودش را دوست دارد.
۴. اصالت زن همان رابطه را با فمینیسم دارد که رنگ بنفش با ارغوانی دارد. (واکر، ۱۹۸۳،

ص. ii-xii)

این تعریف طولانی بیانگر تعهد واکر به برقراری تعادل است و نوعی تحول مهم در یک دختر نوجوان را نشان می‌دهد که ممکن است بعد از یک تجربه ترومایی روی دهد. او باید از خود عبور کرده و یاد بگیرد به دیگران توجه کند و آگاهانه تلاش نماید رؤیایها و مراسم مشترک سیاه‌پوستان را کاوش نماید، راه و رسم‌هایی که بیانگر تفکر جمعی سیاه‌پوستان می‌باشند. آلیس واکر بر ماهیت فطری اصالت زن تمرکز می‌کند که به حیظه‌های مختلف ظلم نفوذ می‌کند و آسایش جمعی همه را هدف قرار می‌دهد. اصالت زن نوعی استراتژی بقا است که روی کشف خود، مقابله، پویایی و یکپارچگی متمرکز می‌شود.

تعریف واکر استانداردهای مرتبط با اصالت زن را در حکم نوعی استراتژی متحول‌کننده اجتماعی تعیین می‌کند، استراتژی‌ای که از طریق گفتگو، هماهنگی، میانجی‌گری و مهمان‌نوازی عمل می‌نماید. اصالت زن امکان پرورش را هم از درون و هم بیرون گروه فراهم می‌کند. خرد شخصی لازم برای خودبسندگی از عشق می‌آید و صحنه را برای عشق متقابل و نیز عشق به خود آماده می‌کند: یعنی عشق به طبیعت و عشق به خود. با رابطه‌ای هماهنگ و دموکراتیک بین افراد، طبیعت و روح همچون نوعی شفادهنده روان‌پالای^۱ عمل می‌کند و خود-التیامی نهایی از طریق بازگشت آگاهانه به فرهنگ اصیل سیاه‌پوستان حاصل می‌شود.

۲.۳. تداوی روحی طبیعت

معنویت وابسته به زمین، که گاهی از آن با عنوان تداوی روحی طبیعت یاد می‌شود، جستجو برای برقراری ارتباط معنوی با طبیعت است. تداوی روحی طبیعت که اغلب افراد بومی در سراسر

جهان تمرین می کنند، در میان غربیان که احساس بیگانگی و انزوا می کنند هم طرفدارانی پیدا کرده است. اساس این نوع از معنویت غیردینی بر پایه این اعتقاد است که همه چیز در عالم هستی زنده، هشیار، قابل دسترس و دارای قدرت است. تداوی روحی طبیعت به معنی تجلیل از ماهیت چرخه‌ای حیات، احترام به همه اشکال زندگی، استفاده متعادل از منابع و رشد سازگار طبیعت و انسان است. تداوی روحی طبیعت راهی است برای بازگشت به تعادل، به ریشه‌ها و خود انسانی واقعی‌مان. ایزابل تررد^۱ این اصطلاح را به شکل زیر توضیح می‌دهد:

«تداوی روحی طبیعت را می‌توان همچون نوعی پیوند ترمیم‌شده با زمین و محیط فرد (هم محیط عاطفی و هم طبیعی) در نظر گرفت که با باور اجدادی به جان‌گرایی^۲ ترکیب شده است و مشخصه آن تمایل به در نظر گرفتن جهان به مثابه محلی برای زندگی ارواح انسان‌انگارانه است. این مفهوم قطعات گسسته هویت شکسته فرد را دوباره به هم متصل می‌کند و مثل نوعی بخیه معنوی عمل می‌کند.» (تررد^۳، ۲۰۱۱، ص. ۳۴)

تداوی روحی طبیعت که گاهی اوقات از آن با عنوان پاگانیزم^۴ یاد می‌شود، تجسم انرژی پویا است که از جسم فیزیکی جداست و برای آسایش و یکپارچگی یا تمامیت فرد ضرورت دارد. در فلسفه افریقایی، تداوی روحی طبیعت به وحدت همه چیزها اشاره دارد و نوعی هارمونی وجودگرایانه^۵ است. اجزای مختلف کل در مقابل هم قرار ندارند بلکه همدیگر را تکمیل می‌کنند. این واژه اشاره به نوعی انرژی متحول‌کننده است که علیه چندپارگی عمل می‌کند و مقوله‌ای اساسی در رمان واکر به حساب می‌آید. ملانی هریس در موهبت فضیلت ادعا می‌کند که:

«[تداوی روحی طبیعت] به چیزی بسیار عمیق‌تر اشاره دارد: به نوعی وحدت، یکپارچگی و هم پیوندی بین همه انسانیت و خلقت. این اصطلاح با فحوای اخلاقی درآمیخته است، همچون نوعی مفهوم اخلاقی عمل می‌کند و این ادعا را مطرح می‌سازد که وحدت، برابری، آزادی و حقوق اساسی باید در اختیار همه افراد و همه بخش‌های خلقت قرار بگیرد. تداوی روحی طبیعت

1. Isabelle Treard
2. animism
3. Treard
4. paganism
5. existentialism

فراتر از یک پیوند صرف بین انسان و حلقه‌های نژادی یا فرهنگی گسترش می‌یابد و به عمق شکاف‌های خود «مادر زمین» می‌رسد. (هریس، ۲۰۱۰، ص. ۶۶-۶۷)

تداوی روحی طبیعت ترکیب بوم‌شناسی، کیهان‌شناسی، معنویت و بیانگر به رسمیت شناختن قدرت شفابخش ذاتی طبیعت است؛ فصل مشترک شهود و بدن است که به برقراری مجدد تعادل از دست‌رفته فیزیکی و عاطفی می‌انجامد. این تعادل به معنای برقراری پیوندی دوباره بین ماده و متافیزیک، فعالیت و استراحت، نور و تاریکی و رشد و سکون است. اثر نهایی چنین بازگشتی به طبیعت بقا و معاش خواهد بود. این توسل به طبیعت روح را پاک می‌سازد و به فرد کمک می‌کند با خود درونی‌اش کنار بیاید.

۴. بررسی اکنون زمان دل‌گشودن است اثر آلیس واکر

نزدیکی آلیس واکر با فرهنگ بومی آمریکا اولین بار در در جستجوی باغچه‌های مادرانمان مطرح شد، جایی که وی از یکپارچگی و سلامت معنوی به مثابه راه نهایی برای اتحاد مردم طرفداری کرد. با وجود این، بعد از انتشار زندگی با کلمه در ۱۹۸۸ بود که توجه‌اش به بازسازی پیوند گسسته بین انسان‌ها، محیط اطراف و سیاره زمین تغییر یافت. همزادپنداری با مادر مادر بزرگش، که از قبیله سرخ‌پوست چروکی^۱ بود و بازسازی هویتی چندفرهنگی نوعی مقاومت برای آلیس واکر به حساب می‌آمد. این هویت چندبعدی به بهترین نحو در مرحله دوم حرفه نویسنده‌اش بازتاب یافته است، به‌ویژه در رمان‌های معبد آشنای من (۱۹۸۹) و اکنون زمان دل‌گشودن است (۲۰۰۴).

دومین مرحله از نویسنده‌گی واکر، که با آثاری مثل در پرتو لبخند پدرم^۲ (۱۹۹۸) و اکنون زمان دل‌گشودن است (۲۰۰۴) آغاز می‌شود، اغلب از طریق نوعی مفهوم متفاوت، اگرچه مکمل بیان می‌شود: یعنی مفهوم تداوی روحی طبیعت. این واژه به‌طور گسترده به‌عنوان ارتباط متقابل انسان با محیط طبیعی تعریف می‌شود که حاوی نیروی زندگی لازم برای بقا و رهایی انسان است. آخرین رمان واکر که در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسید تجلی است از تقدس و یکپارچگی که از طریق اتصال انسان با کل هستی حاصل می‌شود.

1. Cherokee

2. *In hle gggho oyy yahlSSSS SSSS*

تمرکز مطالعه حاضر بر دو استراتژی پایه‌ای، یعنی اصالت زن و تداوی روحی طبیعت، است. این دو استراتژی را آلیس واکر در رمان سال ۲۰۰۴ با عنوان *اکنون زمان دل گشودن است* اتخاذ کرد تا صدای خاموش شخصیت‌ها را، که اغلب زن هستند، فعال سازد و تحول تدریجی عاطفی و نیز فیزیکی شخصیت‌های اصلی را از طریق توسل به طبیعت دنبال نماید. این تحول به روشنی در شخصیت کیت نلسون^۱، شخصیت اول رمان، انعکاس یافته است، شخصیتی که با برقراری نوعی رابطه متقابل و هماهنگ با طبیعت اطراف خود به متتها درجه استقلال می‌رسد.

۴. ۱. اصالت زن: کلید بقا

اکنون زمان دل گشودن است اولین تلاش نویسنده برای کاوش شرایط بغرنج زنان سیاه‌پوست و ظهور نهایی آن‌ها در نقش عوامل پیروزمند است. به همه شخصیت‌ها، مرد و زن، سیاه‌پوست و سفیدپوست، فرصت برابر برای تعریف خود داده می‌شود و این نگاه برابرطلبانه به خودبازسازی، خط مرزی بین نوشته‌های واکر و همکاران هم‌رزم فمینیست او را مشخص می‌کند. شخصیت اول رمان، یعنی کیت نلسون تاکینگ‌تری^۲، تجسم یک شخصیت زن‌باور است: او مظهر خودشناسی و عشق به خود در حکم ویژگی‌هایی بسیار مهم برای رستگاری شخصی است. با این وصف، این سیر استعاری را تعداد زیادی از شخصیت‌ها با سوابق قومی متفاوت انجام می‌دهند.

کیت تاکینگ‌تری نویسنده‌ای است که از آیین بودا ناخشنود است و بنابراین به دنبال آن است که از طریق سفری ماجراجویانه به رودخانه‌های کلرادو و آمازون با گروهی از افراد دیگری که به دنبال شفا (و اغلب زن) هستند معنویت اجدادی واقعی خود را احیا کند. او با کمک «بیج»^۳ یا «دوای مادر بزرگ»^۴ یک فرایند مشقت‌بار تطهیر جسمانی و معنوی را پشت سر می‌گذارد. یولو^۵، همراه کیت نیز طرفدار اصالت زن است و به سفر درونی خود می‌رود؛ در بازگشت به خانه هر دو از لحاظ معنوی احیا شده‌اند.

1. Kate Nelson (Talking Tree)
2. Talking Tree
3. yage
4. yage or Grandmother Medicine is a natural, herbal potion used by Indians as a healing substance.
5. Yolo

این رمان با بازنمایی کیت نلسون آغاز می‌شود، نویسنده و هنرمندی سیاه‌پوست که در سن پنجاه سالگی احساس می‌کند زندگی‌اش به‌طور اسرارآمیزی در حال تغییر است. خستگی و ناامیدی سرتاسر وجود کیت را فراگرفته و دیگر اثری از شادی و نشاط ذاتی او نیست: «او احساس کرده بود که طبیعت زیر پایش تغییر کرد. یا روی پایش، چون آن تغییر به زانوهایش هدایت شده بود... زانوهایش مثل لولای روغن‌کاری نشده غرغز می‌کردند. این برایش وحشتناک بود.» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۱۱). هر شب در خواب یک رودخانه خشک در وسط جنگلی باستانی را می‌بیند که در آن به دنبال حیات است. او به شیوه‌ای مرموز انگیزه خود برای نوشتن را از دست داده و مشتاق یافتن راهی برای احیای معنوی خود است.

اولین ازدواج غیررمانتیک کیت سال‌ها او را گرفتار کرد. او خود را همچون فردی می‌دید «که زمان از کنارش می‌گذشت» (۲۷). او در درجه اول گرفتار دارایی‌هایش بود و توسط شوهر و بچه‌هایش به فردی نامرئی تبدیل شده بود. زندگی‌اش توسط طمع و خواسته‌های خودخواهانه آن‌ها در حال از دست رفتن بود. او که در خانه‌ای نسبتاً بزرگ زندگی می‌کرد به شدت تلاش داشت همه هفت اتاق خالی آن را تزئین کند و این تلاش بیهوده روزمره، وی را کسل و بی‌حال کرده بود: «بغض گلویش را گرفته بود. بغضی از سر اندوه، نومیدی و خشم» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۲۷). کیت تسلیم اولین ازدواج تحقیرآمیز خود نشد و خود را آزاد ساخت. تلاش زن‌باورانه اولیه او برای ابراز وجود بدون تغییر سبک زندگی و محیط اطرافش کامل نمی‌شد:

محیط اطرافش انعکاس نوعی فروپاشی بود که در درون خود احساس می‌کرد. با این‌که خانه‌اش را دوست داشت مرتب به فکر فروش آن بود... احساس می‌کرد خانه‌اش اطراف او در حال فروپاشی بود، همان‌طور که وقتی والدینش که در طول روز به خیال او می‌آمدند، به ناگاه محو می‌شدند. نوعی احساس آرامش، نوعی احساس رهاکردن وجود داشت که از آن استقبال می‌کرد. یک روز نه تنها بعضی از نوشته‌هایش بلکه چند صد دلار اسکناس را هم سوزاند تا به خودش نشان دهد که آن چیزها الهه زندگی‌اش نبودند. (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۱۳-۱۴).

او که برای یافتن معنای واقعی زندگی‌اش تقلا می‌کرد و سعی داشت نوعی منبع حیاتی انرژی به منظور احیاشدن پیدا کند برای مدتی در کلاس‌های مدیتیشن شرکت کرد، اما حالت بی‌اعتنا و سرد مربی که «زردپوستان، سیاه‌پوستان و سفیدپوستان فقیر در سراسر دنیا را کنار می‌گذاشت»

(واکر، ۲۰۰۴، ص. ۴). او را آزار می‌داد. او محرابش را برچید و ریشه واقعی‌اش را در طبیعت پیدا کرد. او که مطالبه بیشتری از زندگی داشت در کنار تعدادی از افراد دیگر که در جستجوی شفا بودند به کلرادو سفر کرد. در سفر دومش به آمازون به این توانایی دست یافت که آرامش درونی را تجربه کند و آن را با دیگر همسفرانش به اشتراک بگذارد.

کیت که به تمرکز روی آسایش خود راضی نیست پیوندهای صمیمی‌ای را با دیگر زنان رنج‌دیده برقرار می‌کند. او اولین جستجوگری بود که تحت تأثیر دوی قبیله‌ای از لحاظ معنوی شفا یافت: «و حال، مثل هنرمندان قدیم که دانش خود در زمینه خلسه و قدرت را روی سنگ‌ها حک می‌کردند، می‌توانست یک پیام ملایم و ماندگار را در مورد عشق به خود به همه انسان‌های روی زمین بدهد» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۴۷). خودشناسی و عشق به خود، که کیت تازگی به آن رسیده است، پیروزی نهایی در الگوی زن‌باورانه آلیس واکر محسوب می‌شود. او احساس خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «مثل بودن در قایقی کوچک بود، همه با هم، می‌دانستی تمام طول رودخانه را با هم طی کرده و با امیدواری به مقصدت خواهی رسید و اگر بخت یار باشد به جایی خواهی رسید که از تو استقبال خواهند کرد» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۴۷).

در نقش یک زن‌باور واقعی، عشق کیت به دیگران هم انتقال پیدا کرد. این آرامش درونی در چشمانش انعکاس می‌یافت و دیگران را تشویق می‌کرد که دل بگشایند. لالیکا^۱ در مورد تجاوز یک مرد به او صحبت کرد. میسی^۲ در مورد پدربزرگش صحبت کرد و حتی ریک^۳ راز خانوادگی‌اش را فاش ساخت: «نوعی صمیمیت در میان آن‌ها (میسی، کیت، لالیکا، هاگ، آرماندو و ۴) وجود داشت که بسیار باستانی به نظر می‌رسید و احساس شیرینی داشت» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۱۶۶). بازدید جمعی از «مادر بزرگ» و آموزه‌های آرماندا (راهنما و مربی بومی) به آن‌ها یاد داد که از ته دل قدر زندگی را بدانند و بین زندگی واقعی و وجود داشتن صرف تمایز قائل شوند. الوهیت و تعالی به شکل دیگری بازتعریف شد و نوعی منبع قدرت فراگیر در طبیعت و محیط اطرافشان آشکار گشت. این نوعی بازنمایی صریح از لزوم ایجاد یک رابطه هارمونیک با

1. Lalika
2. Missie
3. Rick

طبیعت است؛ اصطلاحی که اغلب از آن با عنوان تداوی روحی طبیعت یاد می‌شود که در بخش بعد بررسی خواهد شد.

۴. ۲. تداوی روحی طبیعت: طبیعت همچون منبعی برای تأمل در خود

معنویت، فرایند ارتباط افراد با دنیایی بسیار فراتر از دنیای فیزیکی، همیشه مورد توجه متألهین و فلاسفه بوده است. دسترسی انسان به نوعی حیطة مقدس و استعلایی همواره هدف بسیاری از آموزه‌های عمیق و الهام‌گونه استادان منتخب بوده است. تداوی روحی طبیعت، اصطلاحی که به‌طور عام در اکثر نوشته‌های آلیس واکر و به‌طور خاص در رمان *اکنون زمان دل‌گشودن است* استفاده و از آن دفاع شده است، تأکید بر این واقعیت است که این تعالی مقدس بدون توسل آگاهانه به طبیعت به‌دست نخواهد آمد. امن‌ترین راه برای برقراری دوباره تعادل ظریف انسان/انسان^۱ احترام به طبیعت و قدردانی از آن است.

اولین بار کیت نلسون را، که نویسنده‌ای ۵۷ ساله است، در سالن مدیتیشن می‌بینیم. کیت که به‌شدت منتقد تمدن ظالمانه‌ای است که سال‌ها از طریق پیشرفت‌های تکنولوژیک افراد را از انسانیت غریزی‌شان بیگانه ساخته است به مدیتیشن پناه می‌برد. اطراف سالن مدیتیشن را درختان چوب‌سرخ احاطه کرده است. او که در حالت مدیتیشن در حیاط راه می‌رفت احساس کرد که به‌شدت با طبیعت هماهنگ است: «او از این احساس که پاشنه‌اش خیلی پیش‌تر از این‌که یکی از انگشتان به زمین برسد زمین را لمس می‌کرد لذت می‌برد. مدیتیشن به این شیوه باعث شد احساس کند که به اندازه یک گیاه کند است و این با اسم جدیدش سازگار بود» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۳). او که در سایه درختان بزرگ و تأثیر آرامش‌بخش طبیعت تسلی یافته بود چیزی در قلبش دوباره زنده شد: پرنده طبیعتش فعال شد و یک ندای درونی آن را صدا زد.

کیت به توصیه یکی از دوستانش برای یافتن رودخانه واقعی و رفتن به آنجا عمل کرد و «عمیق‌ترین، سریع‌ترین و چالش‌انگیزترین رودخانه را انتخاب کرد: یعنی رودخانه کلرادو» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۱۴). موج‌های سریع و خروشان رودخانه در واقع در ذهن و بدن او جریان داشتند، «نوعی خروش درونی، گویی که صدای حجم عظیمی از واژه‌ها که در طول یک عمر جمع شده بودند و همزمان صحبت می‌کردند حال سعی داشتند از بدنش خارج شوند» (واکر،

1. human/man

۲۰۰۴، ص. ۲۳). تطهیر جسمی کیت فقط اولین مرحله در فرایند طولانی شفا یافتن بود که باید از طریق آموزه‌های آرماندو کامل می‌شد. معنایی جدید از زندگی در بدنش در حال جوانه‌زدن بود:

حالت دل‌آشوبش از بین رفته بود و احساس سبکی می‌کرد، گویی که در فضای باز اطرافش غوطه‌ور بود. دیوارهایش دیواره‌های تنگه بود... کف خانه‌اش ساحل رودخانه بود. منظره‌اش آسمان بود. او در این آزادی غوطه‌ور بود، در این خانه رؤیایها که مدت‌ها آرزویش را داشت... نوعی از انسانیت از بدنش ساطع می‌شد. نوعی هیجان. انرژی‌ای که... تا نقطه انفجار جمع شده بود. (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۲۹).

احساس سبک‌بالی که کیت به‌تازگی در ذهن و جسم خود یافته بود باعث شد که جادوی سفرش را مزمره کند. شفای روحیش در سفر دوم، این بار به آمازون کامل شد.

کیت به‌زودی خود را در جمع کسان دیگری دید که در جستجوی دوا بودند: پنج مرد و دو زن که همگی به‌سمت جنگل آمازون روانه بودند. همگی آن‌ها تحت نظارت آرماندو خوارزا^۱ بودند، یک کاهن بومی چهل و چند ساله که «دوای مادر بزرگ» یا بیج را معرفی کرد. این معجون گیاهی باعث استفراغ و اسهال می‌شد تا بدن را تطهیر کند، تصویری را در ذهن جستجوگرها به‌وجود می‌آورد، و شکاف بین مسافران و «مادر بزرگ» را، تجسم نماد الهه‌ای که در واقع جنبه‌ای از «خود» است، پر می‌کرد. رودخانه آمازون، که خود یک منبع آفرینشگر است، به تجربه جمعی افرادی که در جستجوی سلامت و شفا بودند وزن و ارزش می‌بخشد.

وابستگی نزدیک کیت به طبیعت باعث می‌شود که او بتواند همه ارتعاشات ظریف آن را حس کند: «همه موجودات حرف می‌زدند، صحبت می‌کردند، سوت می‌زدند و آواز می‌خواندند. به‌وفور هم این کار را می‌کردند و همه چیز در حرکت بود» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۵۳). او چرخه‌های طبیعی و فصول عادی در طبیعت را درمی‌یابد و آگاهانه تلاش می‌کند بخشی از آن آزادی را درک نماید و «مادر بزرگ» به کیت یاد داد با ترس‌هایش مواجه شود:

چیزی که نابود می‌کنی خوشحالی خودت است. آسایش خودت، چیزی که بسیار تلاش کرده‌ام آن را بسازم. آرامش ذهنی خودت. شادی خودت... هر آنچه که لازم است این است که

1. Armando Jurez

همه به یک ذهن واحد تبدیل شوند... یکدیگر را درک کنند و با یک نگاه همدیگر را بشناسند. (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۷۷).

گوشه‌گیری او در آمازون کمکش کرد تا از طریق روح نیاکانش به روشنگری معنوی دست یابد. کیت به مدت چند هفته به دور از به‌اصطلاح تمدن زندگی کرد، تمدنی که به گفته «مادربزرگ» «هدف اولیه آن زدودن دنیای «رام نشده» است که اسم دیگر من است» ((واکر، ۲۰۰۴، ص. ۱۹۷). «مادربزرگ» تجسم سرزندگی و نیروی زندگی بود و کیت اولین کسی بود که ترس‌های سرکوب‌شده‌اش سر باز کرد و از طریق همزادپنداری‌اش با «مادربزرگ» رفع شد. فقط کیت نیست که بازسازی دوباره نوعی معنای اصیل از «خود» را تجربه می‌کند. همراه وی، یولو، نیز جداگانه نوعی سیر استعاری و بازگشت به خانه را پشت سر گذاشته است. وقتی کیت در سفرش به کلرادو یولو را ترک کرد خلاء درونش [درون یولو] ضعیف‌تر شد. یولو که در افکارش غرق شده است به خواب می‌رود و خواب می‌بیند. اسم یولو، جایی در رودخانه که تنداب‌های خطرناک شکل می‌گیرد، نشان از مسیری دارد که باید پیش بگیرد. سفر او با دیدارش از عمه پرلو^۱ و عمه آلمان^۲ ختم می‌شود، دو ماهوی^۳ بومی که مرد به دنیا آمده‌اند اما همچون یک زن زیسته‌اند. ماریا لورت پیام عمه پرلو را این‌گونه شرح می‌دهد:

این پیام تندرستی خاص یکی از آن زیرروایت‌هایی است که فرهنگ معاصر و سیاست آمریکا را نقد می‌کند. این که افراد عادی چه کاری می‌توانند برای خودشان و آینده سیاره انجام دهند، خود را از بند اعتیاد رها سازند، غذای سالم بخورند،... و از تأثیر سمی و زیانبار فرهنگ عامه و رسانه‌های جمعی دوری کنند، حاوی نوعی آزادی و امکان صلح جهانی است. (لورت، ۲۰۱۱، ص. ۲۰۵)

این نوع از هویت، رابطه‌ای که آلیس واکر از آن طرفداری می‌کند و عمه پرلو آن را به زبان می‌آورد، نوعی مخالفت آشکار با همه ستم‌های نژادی، فرهنگی و طبقاتی است و مثالی از مرادۀ متقابل را پیشنهاد می‌دهد. کاشتن بذر شادی، ریشه‌کنی خودبینی و اعتقاد به آینده هسته اصلی

1. Aunt Perlu

2. Aunt Alma

3. Mahu: a third sex which is neither feminine nor masculine

4. Lauret

پیام عمه پرلو است. یولو که پیام عمه را درک کرده و در تطهیر جمعی گروه مشارکت می‌کند به خانه بازمی‌گردد. او که با خود، فرهنگ و محیط اطرافش به آشتی رسیده است به اندازه‌ای قوی شده است که بار تاریخ شخصی و فرهنگی را تحمل کند و پیوندهای قطع شده‌اش با کیت را که بسیار قوی‌تر و واقعی‌تر از قبل هستند دوباره برقرار می‌سازد.

۵. نتیجه‌گیری

آثار واکر در پایان قرن بیستم بعدی معنوی‌تر به خود گرفتند. تلاقی ایده‌ها و ژانرهای متفاوت در آثار پایانی او نشان از صعودش به یک مرحله فکری بالاتر داشت. اکنون زمان دل‌گشودن است منعکس‌کننده آن تطهیر جسمی و عاطفی است که کنار هم پیش می‌روند تا جایگزین انفعال غالب و مصرف‌گرایی رایج در سیستم سرمایه‌داری شوند. تاریخ برده‌داری ظاهراً به پایان رسید اما برده‌داری روان‌شناختی تا کنون به جد اصلاح نشده است. همه شخصیت‌های اصلی در رمان (کیت، یولو، لالیکا، هاگ) قدم در راه پیشگامشان می‌گذارند تا زنجیرهای باقی‌مانده برده‌داری را از میان بردارند.

کیت نلسون اولین شخصیتی است که به گروهی چندفرهنگی از افرادی پیوست که به دنبال سلامت و شفا بودند. هم‌زمان که کیت بدنش را تطهیر کرد تاریخچه مشترک زندگی‌اش هم گفته شد. او که دل‌گشاده و با تاریخچه شخصی‌اش آشتی کرده است به جایگاه یک شفادهنده ارتقا می‌یابد. کیت نلسون از خودبیگانه به کیت تاکینگ‌تری خردمند و بابسیرت تغییر یافت: همان عامل مشتاقی که آن تحول دراماتیک در شخصیت‌های مقاومی مثل میسی را رقم زد. حرف‌های پایانی «مادربزرگ» به بهترین نحو سالم‌ترین مسیری را که شخصیت‌ها باید در پیش گیرند خلاصه می‌کند: «چیزی که جزیی از وجود توست والتر از چیزی است که به تو چسبیده شده است، صرفاً چون مال توست» (واکر، ۲۰۰۴، ص. ۲۰۲).

رمان سال ۲۰۰۴ آلیس واکر ارائه نوعی سفر متحول‌ساز برای رسیدن به عاملیت منحصر به فرد است. رمان پایانی او، اکنون زمان دل‌گشودن است، افق فکری وی را وسعت می‌بخشد تا تداوی روحی طبیعت را به مثابه بعدی مکمل در مسیرش برای دستیابی به عاملیت و یکپارچگی شخصی دربرگیرد. از این رمان به‌عنوان واقعی‌ترین بازنمایی داستانی از همه آن چیزی که او در

زندگی اش فکر می‌کرد، می‌نوشت و انجام می‌داد یاد خواهد شد، زمانی که حرف‌های پایانی «مادربزرگ» را به شیوه‌ای هنری اجرا می‌کند: یعنی یکپارچگی شخصی و خوداتکایی.

کتابنامه

- Bartlow, S. R. (2009). *Vulnerability as armor: Embodied spiritual commitment of Alice Walker, Audre Lorde and Toni Cade Bambara* (Unpublished master's thesis). State University of New York, New York.
- Collins, P. H. (2009). *Black feminist thought: Knowledge, consciousness and the politics of empowerment*. New York, NY: Routledge.
- Garton-Gundling, K. (2015). Ancestors we didn't even know we had: Alice Walker, Asian religion, and ethnic authenticity. *Journal of Transnational American Studies*, 6(1), 1-22.
- Harris, M. L. (2010). *Gifts of virtue: Alice Walker and womanist ethics*. New York, NY: Palgrave Macmillan.
- Hooks, B. (2000). *Feminism is for everybody: Passionate politics*. Cambridge, England: South End Press Classics.
- Hooks, B. (2000). *Feminist theory from margin to center*. Cambridge, England: South End Press Classics.
- Hooks, B. (2015). *Ain't I a woman???* cccck wmmmn ddd fiiii iii New York, NY: Routledge.
- Lauret, M. (2011). *Alice Walker*. New York, NY: Palgrave Macmillan.
- Leasure, L. T. (2005). *Zora Neale Hurston and Alice Walker: Womanist and feminist theories meet in the garden, the perspective of difference*. (Unpublished doctoral dissertation). Indian University of Pennsylvania.
- Phillips, L. (Ed.). (2006). *The womanist reader*. New York, NY: Taylor and Francis Group.
- Salih, S. (2002). *Judith Butler*. New York, NY: Routledge.
- Simcikova, K. (2007). *To live fully here and now: The healing vision in the works of Alice Walker*. New York, NY: Lexington Books.
- Treard, I. V. (2011). Womanism, sexual healing and the suture of eco-spirituality in Alice Walker's novels from *Meridian* to *now is the time to open your heart*. In Castro-Borrego, & Silvia Pilar, (Eds.), *The search for wholeness and diaspora literacy in contemporary African-American literature* (pp.19-38). Newcastle, England: Cambridge Scholars Publishing.
- Walker, A. (199). *Living by the word*. New York, NY: Harcourt Brace Jovanovich Inc.
- Walker, A. (1998). *In search of our mothers' eeeeeee*. New York, NY: Random House Inc.
- Walker, A. (2004). *Now is the time to open your heart*. New York, NY: Random House Inc.